

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال چهاردهم، شماره ۵۴، زمستان ۱۴۰۰
صفحات: ۸۵-۱۰۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۷/۲۸

منابع و موانع احزاب در روند توسعه سیاسی؛ مطالعه موردی: اقلیم کردستان عراق ۱۹۹۱-۲۰۲۰

صفر ولد بیگی* / صادقی زیبا کلام** / علیرضا ازغندی*** / علی اشرف نظری****

چکیده

تجربه سه دهه احزاب اقلیم کردستان عراق از حکمرانی، خود مدیریتی، توسعه نهادهای دموکراتیک جدید و تولید چالش‌هایی برای رشد دموکراسی، بدین معناست که این منطقه مکان پرنمایی برای به آزمون کشیدن رابطه بین احزاب و توسعه سیاسی می‌باشد. توسعه سیاسی حداقلی در کردستان عراق محصول مبارزات ملی‌گرایانه این احزاب بوده، اما مسأله بنیادی نیز اینست که فساد سیاسی و اقتصادی هم دستاورد این احزاب بوده است. سؤال اصلی پژوهش اینست که در روند توسعه سیاسی اقلیم کردستان، احزاب اصلی چه نقشی در کشاکش موانع و منابع موجود داشته‌اند؟ روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده، و به منابع معتبر کتابخانه‌ای در اقلیم کردستان و ایران رجوع و از تکنیک مصاحبه نیز بهره گرفته و با ده نفر از صاحب‌نظران حوزه احزاب و توسعه سیاسی در دانشگاه‌های ایران و اقلیم کردستان مصاحبه صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نیز بیانگر این واقعیت است که گرچه روند توسعه سیاسی در این اقلیم مستمر، پویا و روزافزون نبوده ولی این اقلیم با حاکمیت همین احزاب در طول سه دهه اخیر در حال حرکت به سمت نوعی دموکراسی حداقلی است.

کلیدواژه‌ها

احزاب سیاسی؛ توسعه سیاسی؛ اقلیم کردستان عراق؛ حزب دموکرات کردستان عراق.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
safarali723@yaho.com

** استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Szibakalam@ut.ac.ir (نویسنده مسؤول).

*** استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

**** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۱. بیان مسأله

از زاویه توسعه سیاسی «لاپالمبارا» و «واینر» تصریح می‌کنند، می‌توان احزاب سیاسی را نتیجه توسعه سیاسی تلقی کرد و هم آن را عامل دست‌یابی به توسعه سیاسی دانست (نقیب زاده، ۲۷: ۱۳۹۳). هانتینگتون احزاب را شرط ضروری توسعه سیاسی می‌داند، زیرا توسعه سیاسی متضمن عقلانی شدن اقتدار، تنوع ساختارهای سیاسی و به‌خصوص گسترش مشارکت است. ماکس وبر در تمایز نظام‌های اقتدارگرا و نظام‌های باز وجود و حضور احزاب را از ملزومات نظام‌های باز می‌داند (عالم، ۱۳۷۳: ۵۸۱). با شکل‌گیری حزب دموکرات کردستان عراق (PDK) در سال ۱۹۴۶ توسط ملامصطفی بارزانی که مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حزب در کردستان عراق بوده و هست و سپس تشکیل اتحادیه میهنی کردستان (PYK) به رهبری ابراهیم احمد و جلال طالبانی و ظهور ملی‌گرایی در خاورمیانه در اواخر قرن نوزدهم، جنبش ملی‌گرایانه کردی با علمداری این احزاب، شکلی نوین گرفته و دوره‌ای متناوب از مبارزه، جنگ، شکست، پیروزی، تعامل و همزیستی با حکومت‌های مستقر در بغداد از سرگذرانید جنبش ملی کرد پس از نیم قرن مبارزه، جنگ و کشته شدن ده‌ها هزار نیروی نظامی پیشمرگه و نابودی صدها روستا و هزاران متر زمین حاصلخیز و تجربیات تلخ و دهشتناکی همچون انفال با کشته شدن ۱۸۲ هزار نفر از مردم کرد و بمباران شیمیایی حلبچه با ۵ هزار شهید توسط رژیم بعث، این باردر نتیجه سیاست‌ها و اقدامات غلط و توسعه‌طلبانه صدام حسین در حمله به کویت و پاسخ قاطع نیروهای ائتلاف، وارد مرحله‌ای نوین از پیروزی و کسب دستاوردهای رضایت‌بخشی بود. حمله صدام به کویت در سال ۱۹۹۰ و مقابله نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا با او، شیعیان در جنوب و کردها در شمال عراق قیام‌های سراسری را سازمان بخشیدند و موفقیت‌های بزرگی در تصرف شهرهای خود و بیرون راندن قوای بعثی به دست آوردند. اما رژیم زخم‌خورده و پر از کینه و قساوت صدام حسین پس از مدتی کوتاه قیام شیعیان را در جنوب سرکوب و آنگاه با تمام قوا و نیرو متوجه شمال عراق گردید و دوباره کردها را سرکوب و آواره نمود. در نتیجه این حملات سهمگین، دو میلیون نفر از کردهای ساکن این منطقه به مرزهای ایران و ترکیه پناهنده شده و بسیاری از آنان نیز جان باختند. پس از این واقعه تراژیک و مخاברה آن توسط خبرگزاری‌های جهانی، سازمان ملل طی قطعنامه ۶۸۸ دستور توقیف عملیات پر از رعب و وحشت صدام حسین را صادر و در ۱۹ آوریل ۱۹۹۱ نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا با حضور در کردستان عراق منطقه پرواز ممنوع نیروی هوایی عراق در شمال این کشور را برقرار نمود

(مک داول، ۱۹۹۲: ۱۱۷-۱۱۸). از این تاریخ به بعد هشت حزب کردی فعال در اقلیم کردستان با رهبری دو حزب دموکرات و اتحادیه میهنی میان خود جبهه‌ای واحد را تشکیل و پس از تصرف نهایی شهرهای کردنشین و عقب‌نشینی نیروهای نظامی، سیاسی و اداری عراق از این منطقه، آنان خود شروع به برگزاری انتخاباتی سراسری و آزاد، تأسیس پارلمان و حکومت کردستان را به منصفه ظهور رساندند. این مقاله در پی شناختی واقعی از تحقق یا شکست پروسه توسعه سیاسی طی سه دهه گذشته در اقلیم کردستان است. قطعاً در کامیابی یا ناکامی این فرایندها، متعدهای (حکومت، احزاب، اپوزیسیون سیاسی، جامعه مدنی، روشنفکران، محیط بین‌المللی و ...) دخیل و هر کدام دارای جایگاه و سهمی ویژه می‌باشند. اما هدف اصلی این پژوهش متوجه نقش احزاب سیاسی این اقلیم است؛ چرا که بر این باور است که این احزاب در طول نیم قرن گذشته در اقلیم کردستان، قدرتمندترین، ثروتمندترین و پیشینه دارترین جریان و حرکت بوده و هر تثبیت و تزلزلی در گذار به دموکراسی در این اقلیم متأثر از نقش پررنگ آنان بوده و می‌باشد. نهایتاً در این راستا می‌توان گفت: دموکراسی و توسعه سیاسی حداقلی در کردستان عراق محصول مبارزات ملی گرایانه احزابش بوده است. اما مسأله بنیادی نیز که در این میان وجود دارد اینست که فساد سیاسی و اقتصادی هم محصول این احزاب بوده است. اکنون اقلیم کردستان عراق با حاکمیت احزابش بشدت در حال تجربه تحولاتی عمیق در حوزه گذار به دموکراسیست. تحولات بوقوع پیوسته در این منطقه با توجه به جایگاه والای ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن بر تحولات این‌چنینی در سرزمین همسایه شرقی اش یعنی ایران اهمیت ویژه و تأثیراتی محسوس برجای می‌گذارد که لازمست نخبگان دانشگاهی و حکومتی ایرانی نیز با این تحولات و تأثرات آشنایی بیشتری یابند.

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط مستقیم با موضوع این پژوهش منابع و آثار مکتوب در حداقل است و کمتر پژوهشی از این زاویه و صرفاً به موضوع احزاب و نقش آنان در توسعه سیاسی در اقلیم کردستان پرداخته‌اند. وانچ (۲۰۰۲) در کتابش با عنوان «هویت، ناسیونالیسم و سیستم حکومتی در کردستان عراق» به بررسی پدیده‌های چون طبقه، عشیره، آیین و زبان و تأثیر آنها بر هویت ملی کردها پرداخته و همه این مفاهیم را از ملزومات بنیان دولت فعلی اقلیم کردستان و تحکیم و تداوم این دولت به صورت مستقل آن در آینده می‌داند. از کاستی‌های این کتاب

اطلاعات تاریخی آن مرتبط با بیست سال گذشته می‌باشد و رویدادهای مهمی چون فروپاشی رژیم بعث، بنیان حکومت کردی، ظهور داعش و فراندم اقلیم کردستان را پوشش نداده است. استانفایل (۲۰۰۳) در کتابش با عنوان «توسعه سیاسی و ضرورت های دموکراسی در کردستان عراق» به بررسی تحولات سیاسی این اقلیم از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۲ پرداخته و معتقدست که در طول این یک دهه پژوهش وی کردستان عراق به بسیاری از شاخص‌های دموکراسی نزدیک‌تر و موانع جدی در این مسیر را پشت سر نهاده است و آینده‌ای امیدوارکننده برای این اقلیم متصور است. از کاستی‌های این کتاب می‌توان به عدم پوشش تحولات بیست سال اخیر این اقلیم و همچنین عدم وجود نظرات فعالان جامعه مدنی و توده مردم اشاره نمود. محمدیان و ترابی (۱۳۹۴) در پژوهش خویش با عنوان «تأثیر تحولات پس از سقوط صدام بر وضعیت کردهای عراق» با روشی توصیفی به این نتیجه رسیده اند که طی چند سال گذشته تحولات ویژه‌ای در عراق روی داده است که از جمله آن‌ها می‌توان به سقوط صدام در سال ۲۰۰۴، تدوین قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵ و ظهور و قدرت‌نمایی داعش در سال ۲۰۱۴ اشاره نمود. این موارد علت اصلی استقلال‌خواهی کردها نیستند، اما موجب تسریع در فرآیند استقلال‌خواهی کردها شده‌اند و نقش متغیر تسهیل‌کننده را دارا می‌باشند. در این راستا، پیش‌بینی می‌شود در صورت سمت‌گیری تحولات به این صورت، استقلال کردستان عراق صورت خواهد گرفت. عبدالسلام ناصر (۲۰۱۶) در مقاله ای با عنوان «تأثیر فرهنگ سیاسی بر دموکراسی در کردستان عراق» به بررسی دو حوزه فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی و روابط آن‌ها پرداخته و از نتایج این پژوهش می‌توان به مواردی چون نیاز توسعه سیاسی به حزب سیاسی مدرن و توانمند، رشد و پیشرفت دموکراسی در اقلیم کردستان و ضرورت های شکل‌گیری اپوزیسیون سیاسی برای گسترش توسعه سیاسی اشاره نمود. از جمله نوآوری های این پژوهش به نسبت پژوهش های فوق و دیگر پژوهش های این حوزه می‌توان به مواردی چون بررسی دقیق روند توسعه سیاسی در اقلیم کردستان و تاثیر احزاب فعال این اقلیم بر این روند برای اولین بار در پژوهشی آکادمیکی و به دور از هرگونه تعصب و جانبداری و از سویی دیگر بررسی آخرین تحولات و رویدادهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی این منطقه تا اواخر سال ۲۰۲۰ و تأثیر و تأثرات آن‌ها در ابعاد داخلی و منطقه ای، بهره مندی از نظرات و ایده های صاحب‌نظران این مبحث در دانشگاه های ایران و اقلیم کردستان بصورت مصاحبه شخصی و... می‌باشد.

۳. ادبیات نظری

۳-۱. منابع احزاب در روند توسعه سیاسی

در جوامع دموکراتیک احزاب سیاسی نماینده و سخنگوی شکاف‌های جامعه هستند تا منافع آنان را دنبال نماید. حزب سیاسی در مفهوم واقعی آن مناسب‌ترین مجرا در جهت گذار جامعه از جنگ و خشونت به رقابت‌های سالم و نهادینه‌شده در چارچوب قوانینی مشخص و معین است. رابطه میان تحزب و توسعه سیاسی رابطه‌ای تک‌بعدی و یک‌سویه نمی‌باشد، بلکه همیشه رابطه‌ای چندبُعدی و دیالکتیکی در جریان بوده است. از یک‌سو تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ضرورت پیدایش احزاب سیاسی را جدی‌تر نموده و از سوی دیگر پیدایش احزاب سیاسی سبب تعجیل و تعمیق تحولات همه‌جانبه از جمله توسعه سیاسی در نظام‌های دموکراتیک گردیده است. لازمه دموکراسی، احزاب توانمند، قانونمند، دموکراتیک، متکی به مردم، سازمان‌دهی شده، برنامه‌دار و هدفمند، دارای قدرت بسیج و مرام مشخص است. به تدریج طی دو قرن بسیاری از کشورها به جرگه کشورهای دموکراتیک پیوستند و احزاب آزاد را به‌عنوان یکی از الزامات دموکراسی پذیرفتند. حتی بسیاری از کشورهای غیردموکراتیک نیز لزوم حزب را برای اداره امور حکومت تشخیص داده‌اند. اکنون وجود حزب برای اداره دولت‌ها ضرورتی غیرقابل‌انکار است. حتی در حکومت‌های موناشرسی وجود حزب، اصلی پذیرفته شده است. در حکومت‌های دیکتاتوری و فراتر از آن در اکثر حاکمیت‌های توتالیتر، لزوم هدایت سیاسی جامعه به وسیله تشکل سیاسی حزب، امری پذیرفته شده است. در واقع مشکل بتوان تصویری از حکومت مدرن بدون احزاب سیاسی معنی‌دار داشت.

احزاب سیاسی نه‌تنها در حکومت نمایندگی، بلکه در فرآیند توسعه دموکراسی به‌خصوص در دموکراسی‌های در حال گذار اهمیت محوری دارند. برنامه توسعه سازمان ملل متحد نقش احزاب در جوامع را چنین توصیف می‌کند: «احزاب سیاسی کلید اصلی حاکمیت دموکراتیک هستند. آن‌ها ساختاری برای مشارکت سیاسی فراهم می‌کنند، زمینه‌ساز پرورش و آموزش رهبران سیاسی آینده هستند. احزاب منافع اجتماعی را از طریق نمایندگان به درون سیاست‌های عمومی حکومت انتقال می‌دهند. طبق تعریف انستیتو ملی دموکراسی آمریکا، احزاب سیاسی سنگ بنای جامعه دموکراتیک هستند و به کارکردهای منحصربه‌فرد همه نهاد‌های دموکراتیک کمک می‌کنند (شادلو، عباس، ۱۳۹۶: ۵۷). بسیاری از پژوهشگران علوم سیاسی معتقدند احزاب محور تجربه نوین دموکراسی هستند، آن‌ها احزاب قدرتمند را شرط

اساسی موفقیت فرآیند دموکراتیزاسیون دانسته‌اند. ساموئل هانتینگتون معتقد است احزاب قدرتمند پیش‌نیاز اصلی برای پایداری سیاسی در فرآیند مدرنیزه کردن کشورهاست. این پژوهشگر ارشد، زندگی سیاسی در جوامع غربی را در وجود احزاب خلاصه می‌کند و بیان می‌دارد: هر کشوری که بخواهد گام در راه توسعه و پیشرفت بگذارد، ناگزیر از پذیرش احزاب خواهد بود (هانتینگتون، ۱۳۹۶: ۲۱۲)

همان‌گونه که اشنايدر (۱۹۴۲: ۱) به‌درستی اشاره کرده است دموکراسی مدرن، بی‌شک برحسب احزاب سیاسی تعریف می‌شود. به‌گونه‌ای که به‌گفته بریس (۱۹۲۱: ۱۱۹) وجود احزاب امری اجتناب‌ناپذیر است. در تعبیر مشابه دیگری کلسن (۱۹۸۷: ۱۴۸) اظهار داشته است که دموکراسی مدرن به‌طور کامل بر پایه احزاب سیاسی بنا شده است؛ اصول دموکراتیک هرچه بیشتر به خدمت گرفته شود، نقش احزاب نیز اهمیت بیشتری می‌یابد (مولر، ولفگانگ، مارسه، ۱۳۹۷: ۲۸). احزاب سیاسی به‌طور معمول این روزها به عنوان تنها مکانیسم موفقی تلقی می‌شوند که تضمین می‌کنند نهادهای دموکراسی بتوانند در عمل، در دولت مدرن کار کنند. احزاب سیاسی به‌طور قطع نوشدارو نیستند، ولی تا جایی که ما می‌دانیم، مکانیسمی با عیوب کمتر هستند که به‌واسطه‌ی نهادهای دموکراسی به‌خوبی کار می‌کنند.

۲-۳. موانع حزبی در توسعه سیاسی

علیرغم دفاعیاتی که از حزب و فایده‌اش به‌ویژه در تسریع روند توسعه سیاسی شده است، کسانی دیگر به این پدیده سیاسی انتقاداتی وارد و ضرورت و سودمندی آن را در جریان توسعه سیاسی مورد تردید قرار می‌دهند. عمده‌ترین دلایل مخالفان، حول محور تعارض احزاب با خصلت دموکراسی دورمی زند. به عقیده آن‌ها، مفهوم توسعه و دموکراسی بهره‌گیری برابر افراد از دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور است؛ حال اینکه وجود احزاب و گروه‌های سیاسی از برابری امکانات مدنی می‌کاهد. زیرا فلسفه وجودی حزب‌های سیاسی، به قدرت رسیدن جمعی اندک در یک واحد سیاسی است. از جمله این منتقدان «روبرت میخلز» سیاست‌شناس آلمانی است. چکیده اندیشه‌های میخلز در مورد کارکرد ضد دموکراسی حزب به شرح زیر بیان شده است: «حزب‌های سیاسی به هیچ روی نماینده همه اعضا به‌ویژه طبقه یا گروهی که آشکار از آن دفاع می‌کنند، نیستند و بی‌تردید منافع اعضا از منافع و راه رهبران جداست؛ زیرا منافع دستگاه رهبری حزب ایجاب می‌کند که در برابر دولت در بسیاری از موارد سیاست سازشکارانه داشته باشد. درحالی‌که برای دفاع منافع توده، سیاستی خلاف آن لازم است»

(میخلز، ۱۳۸۵: ۳۸). سرشت تشکیلات اجتماعی نیز همیشه نشان داده است که اقلیتی، رهبری گروه انبوهی را به عهده دارد و این اقلیت تا آنجا و آنگاه که می‌تواند، به سلطه خود ادامه می‌دهد. ولی زمانی می‌رسد که توده و اکثریت ناراضی، بردباری و تحمل را از دست داده و علیه اقلیت حاکم قیام کرده و به حکومتش پایان داده و حاکمیت تازه‌ای جایگزین آن می‌کند؛ ولی باز هم اکثریت از آن بهره‌مند نمی‌شود. اقلیت تازه‌ای جانشین دستگاه رهبری سرنگون شده می‌گردد و حکومت را به دست می‌گیرد (میخلز، ۱۳۸۵: ۴۴). ژان پل سارتر فیلسوف و نویسنده نامدار فرانسوی معتقد است که حزب سیاسی به‌ویژه حزب‌های کمونیستی به‌سوی تمرکز پیش می‌روند و نمی‌توانند دموکراتیک باشند و این امر از سرشت احزاب برمی‌خیزد (ابوالحمد، ۱۳۸۴: ۴۳۷). به عقیده مخالفان، حزب به وحدت ملی خدشه وارد می‌سازد. برای نمونه در نظام‌های چندحزبی جنگ قدرت در بین احزاب رواج دارد و هر حزب برای کسب قدرت، در جستجوی گردآوری اعضای بیشتر است. لذا با تبلیغات فریبنده و برنامه‌های اغواکننده، تنها خود را برای هدایت و رهبری یک کشور صالح دانسته و فعالیت دیگران را رد می‌کند. از این رو وجود حزب اصولاً تفرقه‌انگیز و مغایر وحدت ملی است. منتقدین، وجود حزب را مخل آزادی فردی می‌دانند، به نظر آنان حزب با تشکیلات سنگین و مجهزی که دارد، فرد را در خود حل می‌کند، عمل و اراده را از وی می‌گیرد و شخص به‌ناچار باید از تصمیم‌های رهبران فرمان برد. درحالی‌که اگر عضویت حزب را نداشته باشد، از استقلال بیشتری برخوردار خواهد بود. هدف هر حزب وسعت و گسترش بیشتر آن است و در این راه می‌کوشد حزب‌ها و جمعیت‌های دیگری را که ممکن است مزاحم قدرت‌طلبی‌اش باشند، از میان بردارد تا تبدیل به قدرت مطلقه در درون دولت گردد (غفوری، ۱۳۸۸؛ ۱۵۶). در عمل، احزاب مسلط در جوامع خاورمیانه‌ای در همه امور جامعه پنجه می‌اندازند و به جای آن‌که در خدمت اهداف ملی قرار گیرند، خود به مزاحم سرسختی برای توسعه سیاسی و اقتصادی تبدیل می‌شوند که رهایی از آن‌ها به‌صورت آرزوی دیرینه مردم درمی‌آید.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. احزاب اصلی در اقلیم کردستان

در اقلیم کردستان عراق از ابتدای جنبش مسلحانه کردها بر علیه حاکمیت بغداد و بعدها دوران خودمختاری و فدرالیسم احزابی متعدد با گرایش‌های متنوع فکری و مذهبی وجود داشته

ودارند که هرکدام از آن‌ها دارای اعضا، حامیان، هواداران و دفاتر و نمایندگانی در پارلمان کردستان و بغداد می‌باشند و قطعاً در وضعیت کنونی اقلیم کردستان به ویژه در حوزه توسعه سیاسی نقشی انکارناپذیر داشته‌اند. در این مقاله صرفاً به معرفی و بررسی نقش و جایگاه دو حزب اصلی در این اقلیم پرداخته‌چرا که نقش اصلی در توفیق یا شکست پروسه توسعه سیاسی در این اقلیم بر عهده این دو حزب (بازیگران اصلی) بوده و می‌باشد و از پرداختن به احزاب دیگر فعال در این اقلیم همچون: گوران (تغییر) اتحاداسلامی، جماعت اسلامی، نسل نو و... صرفنظر می‌شود

۱-۴. حزب دموکرات کردستان عراق (pdk)

احزابی که در کشورهای غیراروپایی بوجود آمدند، به علل ویژه‌ای از نظر سازمانی و ایدئولوژیکی با احزاب غربی تفاوت دارند؛ پایه‌های اولیه این احزاب غالباً در جنبش‌های ضد استعماری و ناسیونالیستی گذاشته شده است که می‌توان حزب دموکرات کردستان عراق را در این گروه قرار داد. بدون شک مهم‌ترین تحول در دوره پادشاهی عراق نوین، تأسیس و بلوغ حزب دموکرات کردستان عراق بود. درحالی‌که بریتانیا و پادشاهی هاشمی با حاکمیت مستقیم مدرن در تلاش برای نفوذ در کردستان و جایگزینی حکومت عشیره‌ای با مدیریتی بورکراتیک تر اما عربی شده بودند، برخی از اعیان عشیره‌ای مصمم به دفاع از امتیازات خود، با کردهای جدیداً شهری شده و حرفه‌ای که مطالبات و برنامه‌های متفاوتی را در سر داشتند، انگیزه‌های مشترکی یافتند. این مدل به ظهور حزب دموکرات کردستان با رهبری یک شخصیت برجسته سنتی با نام ملا مصطفی بارزانی و طیفی از روشنفکران شهری به‌ویژه ابراهیم احمد و جلال طالبانی منجر گردید (رمانو و گورسس، ۱۳۹۸: ۱۰۴-۱۰۵). موضع رسمی برای تشکیل این حزب اینست، با ترکیب دو حزب «رزگاری» و «شورش» در تاریخ ۱۶ آگوست ۱۹۴۶ توسط ملا مصطفی بارزانی و با همراهی دیگر سران بارزانی و کردهای عراق ساکن ایران در مهاباد تأسیس شد (شیخ عطار، ۱۳۸۲: ۱۲۵). گرایش‌های این حزب ملی‌گرایی و بر مبنای دموکراسی بود. در ابتدا شعار آن خودمختاری برای کردستان و دموکراسی برای عراق بود (عبدالخالق، ۲۰۱۴: ۶-۱۰۷). در حال حاضر «مسعود بارزانی» هم رئیس عشیره بارزانی و هم رهبر حزب دموکرات و همچنین قدرتمندترین شخص در اقلیم کردستان عراق است. از دیگر اعضای با نفوذ و قدرتمند این حزب پسر مسعود بارزانی، «مسرور بارزانی» نخست‌وزیر فعلی اقلیم کردستان است. تا سال ۲۰۱۹ و اتفاقات بعد از فراندوم استقلال کردستان «نیچیروان بارزانی» رئیس فعلی حکومت اقلیم

کردستان، داماد و برادرزاده مسعود بارزانی و فرزند «ادریس بارزانی» و نوه ملامصطفی) شخصی دوم و قدرتمند این حزب و نخست‌وزیر اقلیم کردستان بود. از دیگر شخصیت‌های با نفوذ و قدرتمند این حزب «هوشیار زیباری» (دایی مسعود بارزانی و وزیر امور خارجه اسبق عراق)، «فاضل میرانی»، «فؤاد حسین» و ... می‌باشند. این حزب از نظر جغرافیایی مناطق کردنشین عراق از مجاورت مرزهای ایران و ترکیه را تا شمال سلیمانیه در اختیار دارد (استان‌های اربیل و دهوک) و در خارج از اقلیم در موصل از قدرت زیادی برخوردار است. عمده حوزه آبریز رودهای زاب بزرگ و کوچک در محدوده حاکمیت بارزانیها قرار دارد (محمدی، ۱۳۹۴: ۱۶۳). ارگان‌های تصمیم‌گیری و قدرتمند این حزب، دفتر سیاسی و کمیته مرکزی می‌باشند. روزنامه رسمی این حزب در کردستان عراق «خه بات» است و شبکه‌های ماهواره‌ای «روداو»، «کردستان ۲۴»، «زاگرس»، «کردستان تی وی» متعلق و تریبون رسانه‌ای این حزب می‌باشند.

۲-۱-۴. حزب اتحادیه میهنی کردستان (PUK)

غلبه گفتمان چپ مارکسیستی در فضاهاى فکری و سیاسی باعث شد که کم‌کم نقش شیوخ، روحانیون و سران عشایر در جنبش کردستان کمرنگ شده و زمام کار دست روشنفکران مبارزه جو بیفتد. تعدادی از این دسته افراد دور و بر ملا مصطفی بارزانی بودند که عمدتاً سکان دفتر سیاسی حزب دموکرات را در دست داشتند. در میانه دهه شصت بالاخره میان اینان و بارزانی بزرگ اصطکاک رخ داد و جنبش دو پاره شد. جناح جوان طالبانی خوش داشتند این دو پاره‌گی به شورش پسران رادیکال علیه پدران محافظه‌کار نسبت دهند (خدیو، ۱۳۹۸: ۱۷). پس از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و شکست کردهای عراق به رهبری بارزانی و به وجود آمدن خلاء ناشی از فروپاشی حزب دموکرات کردستان، چند حزب کردی فعال در این منطقه با یکدیگر حزب جدیدی را پایه‌گذاری کردند که تا به امروز رقیب اول و جدی حزب قدیمی دموکرات کردستان باقی مانده است: اتحادیه انقلابیون کردستان (فؤاد معصوم و جلال طالبانی)، جمعیت رنجبران کردستان (نوشیروان مصطفی) و بخش سوسیالیستی (رسول مامند و محمود عثمان) با تشکیل ائتلافی «اتحادیه میهنی کردستان» را تأسیس کردند (شیخ عطار، ۱۳۸۲: ۱۶۶-۱۶۵). اتحادیه میهنی به عنوان حزبی مهم و تأثیرگذار در تاریخ کردستان، محصول ترکیب بی‌بدیل سیاست ورزی و زیرکی جلال طالبانی و سلامت نفس و اقتدار نوشیروان مصطفی بود. همین ترکیب سرنوشت‌ساز بود که از اتحادیه میهنی رقیبی سرسخت برای حزب دموکرات ساخت، به اعتبار داخلی و منطقه‌ای آن افزود و در نهایت رهبر آن را به ریاست جمهوری عراق رساند. اتحادیه

میهنی عضو دائمی سوسیال‌دموکرات‌ها در دنیا می‌باشد و با بیش از ۱۶۰ حزب در دنیا دارای ارتباط و از یک خانواده‌اند (ملا بختیار، ۱۳۸۶: ۳۵۴).

در آخرین کنگره اتحادیه میهنی در سال ۲۰۲۰ (کنگره چهارم) که پس از فوت طالبانی رهبر کاریزماتیک آن تشکیل گردید، علی‌الظاهر میدان رقابت دو جناح جوان تحول‌خواه و پیر محافظه‌کار بود که اولی حضوری نیرومندتری در کنگره داشت. در این کنگره «لاهور شیخ جنگی» و «بافل طالبانی» برادرزاده و پسر جلال طالبانی که به داشتن مواضع رادیکال علیه حزب دموکرات معروف هستند، حائز اکثریت آرا شده و به عنوان رؤسای مشترک اتحادیه میهنی کردستان انتخاب شدند. با این انتخابات اکنون آرایش رهبری اتحادیه میهنی تغییر کرده و جمعی از سیاستمداران فصل دوم که منتقد دنباله روی حزب متبوعشان از حزب دموکرات هستند و نوستالژی روزگار توازن پنجاه - پنجاه را در سر دارند، وارد ارگان‌های رهبری شده‌اند (خدیبو، ۱۳۹۸). در حال حاضر افرادی چون لاهور شیخ جنگی (برادرزاده جلال طالبانی)، بافل طالبانی (پسر جلال طالبانی)، هیرو ابراهیم احمد (همسر جلال طالبانی)، قباد طالبانی (پسر جلال طالبانی) و معاون کنونی نخست‌وزیر اقلیم) کوسرت رسول، برهم صالح، ملا بختیار و... از اعضای بانفوذ و قدرتمند این حزب بعد از فوت جلال طالبانی می‌باشند. این حزب همچون حزب دموکرات در بسیاری از کشورهای جهان دارای دفتر نمایندگی و هواداران زیادی می‌باشد.

۲-۴. منابع ساختاری و کارکردی احزاب در روند توسعه سیاسی اقلیم کردستان

برای بررسی وضعیت توسعه سیاسی و روند آن در کردستان عراق باید قبل از هر چیز چند فاکتور را مدنظر قرار داد و بر مبنای این فاکتورها (به مثابه پیش‌فرض‌هایی اولیه) قضاوت کرد. فاکتور اول، بحث زمان است. کردستان عراق از سال ۲۰۰۳ دارای سیستم فدرال است و قدرت سیاسی نسبی در این منطقه برای تصمیم‌گیری در زمینه توسعه سیاسی از این زمان به بعد شکل گرفته است، هرچند قبل از آن هم تا حدودی وجود داشته است. اما از سال ۲۰۰۳ رسمیت نسبی پیدا کرده است. بنابراین در گام اول، ما در مورد توسعه سیاسی در یک منطقه‌ای صحبت می‌کنیم که کمتر از دو دهه، دارای قدرت سیاسی (آن هم نسبی) است. دوم، میزان قدرت سیاسی است که در اقلیم کردستان وجود دارد. هرچند اقلیم کردستان عراق از لحاظ قدرت سیاسی فراتر از یک سیستم فدرال است و قدرت بیشتری دارد، اما باز هم این قدرت در بسیاری موارد وابسته به حکومت و قدرت مرکزی در بغداد است. بنابراین، ما در مورد توسعه سیاسی در منطقه‌ای صحبت می‌کنیم که از لحاظ قدرت سیاسی کاملاً مستقل نیست. پس با

این دو پیش‌فرض، یعنی محدوده زمانی و قدرت سیاسی محدود می‌توانیم بحث را پیش ببریم (محمدی، مصاحبه شخصی: مردادماه ۱۳۹۹).

۱-۲-۴. ساختار دموکراتیک حکومت اقلیم کردستان

تجربه این دو دهه طولانی از خود‌مدیریتی و توسعه نهادهای دموکراتیک جدید بدین معناست که منطقه کردستان مکان پرغنائی برای به‌آزمون کشیدن رابطه بین جنبش‌های خودمختاری طلب و دموکراسی است. موضوعی که مورد علاقه پژوهشگرانی بوده است که آیا استقلال‌طلبان یا دولت‌های ناشناخته قادر به ارائه حکومت‌های نمایندگی و دموکراتیک نسبت به دولت‌های میزبان اصلی خود هستند یا خیر؟. بسیاری از کارگزاران پیشین و کنونی حکومت اقلیم کردستان، مهاجران و ساکنان اروپا و آمریکا بوده‌اند که طبعاً رویکرد آن‌ها در گستره مدیریت عمدتاً بر لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی مبتنی است. اکنون حکومت منطقه‌ای کردستان ایالت و فدرالی در داخل دولت فدرال عراق است که سیستم سیاسی آن جمهوری پارلمانی بوده و بر مبنای تکثر سیاسی و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت و متمایز بودن قوای سه‌گانه از هم قرار دارد. مردم سرچشمه اصلی قدرت در این حکومت به شمار آمده و پیش‌نویس قانون اساسی کردستان بر سایر قوانینی که از سوی حکومت مرکزی عراق صادر می‌شود به‌استثنای موارد ذکر شده در ماده ۱۱۰ قانون اساسی فدرال عراق، اولویت دارد (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰۶). توسعه اقتصادی از الزامات وستون‌های اصلی بنیان توسعه سیاسی می‌باشد. در این راستا ثبات و امنیت حکومت اقلیم از برنامه‌ها و راهبرد اصلی آن منطقه در سه دهه گذشته و عاملی اساسی در توسعه اقتصادی و نهایتاً سیاسی آن منطقه بوده است؛ کردستان تنها ناحیه ای در عراق است که کماکان از رشد اقتصادی ثابت برخوردار است. نرخ رشد اقتصادی آن در سال ۲۰۱۱ در میان رکود اقتصادی بیشتر کشورهای جهان به ۸ درصد رسید و براساس برآوردهای صندوق بین‌المللی پول با رشد ۱۲ درصدی، این منطقه به دومین اقتصاد رو به رشد جهان تبدیل خواهد شد. سیاست صلح‌جویانه و قدرت‌سازگاری این حکومت با نظام بین‌المللی دستاوردهای مثبتی در زمینه‌های اقتصادی برای این منطقه داشته است. رشد اقتصادی بالا در اقلیم موجب ایجاد فرصت‌های قابل توجهی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توسعه منابع انسانی شده است. بر پایه آمار سال ۲۰۱۳ نرخ بیکاری در اقلیم کردستان چیزی در حدود ۴ درصد بوده است (محمدی، ۱۳۹۴: ۲۰۸). متأسفانه پیدایش داعش، حوادث پس از فراندوم، کاهش استخراج و قیمت نفت و تشدید تنش‌ها بین اربیل و بغداد این رشد و توسعه اقتصادی را تحت

الشعاع خویش قرار داده و دوره ای از رکود این اقلیم را در بر گرفته است. اجرای قانون اصلاحات اقتصادی در اقلیم که از ۱ جولای ۲۰۲۰ آغاز شده و مکانیسم و راهکارهای اقتصادی برای اجرای قانون اصلاحات، مورد بررسی قرار گرفت. مسرور بارزانی نخست وزیر وقت اقلیم کردستان تأکید کرد که اجرای اصلاحات در همه سطوح و امور اقلیم آغاز شده و هدف از آن تحقق خواسته های اکثریت مردم اقلیم و ایجاد عدالت و حفظ حقوق کارمندان و حقوق بگیران واقعی است.

از دیگر شاخص های بنیان و گسترش توسعه سیاسی در این اقلیم روند روبه رشد فضای آزاد رسانه ای می باشد. سال ۲۰۱۰ سازمان گزارشگران بدون مرز، منطقه اقلیم کردستان را با ثبت قریب به ۸۵۰ خبرگزاری رسانه ای، برخوردار از یک رونق واقعی رسانه ای توصیف کرد (رومانو و گورسس، پیشین: ۲۹۶-۲۹۷). اکنون اکثر احزاب سیاسی در اقلیم کردستان داری تأسیسات بزرگ رسانه ای هستند، اکنون در این اقلیم نزدیک به ۱۳۷ مجله، ۳۳۳ روزنامه، ۳۶ شبکه ماهواره ایی و ۱۳۲ شبکه رادیویی، ۷۳ شبکه داخلی وجود دارد (بارزان، ۱۳۹۶: ۲۲۲). از نظر قانونی در این اقلیم هیچ گونه سانسور، فشار و تحکمی بر مطبوعات و رسانه ها اعمال نمی شود. رسانه های مستقل و اپوزیسیون در اقلیم به انحای مختلف، گفتمان متکثرتری را ایجاد کرده است. این رسانه ها با نوشتن مطالبی در رابطه با جایگاه حقوق بشر، شکنجه و فساد و سوءاستفاده های مالی، دیدگاه های انتقادی صریحی را نسبت به نخبگان حاکم و نیز احزاب حاکم مطرح کرده اند. عناوینی که بسیاری از خطوط قرمز را درنوردیده است. از الزامات تثبیت توسعه سیاسی در هر جامعه ای آموزش و پرورش مدرن و پیشرو آن می باشد. سیستم کنونی آموزش و پرورش و آموزش عالی در اقلیم کردستان از برخی سیستم های آموزشی اروپا و آمریکا اقتباس شده است. بیشتر کتاب های درسی از کتب معتبر انگلیسی به کردی ترجمه و تدریس می شوند. درکنار زبان کردی زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم از اول ابتدایی در کل مدارس اقلیم آموزش داده می شود. در زمینه های نظام آموزشی و آموزش عالی پیشرفت قابل توجهی داشته به گونه ای که تعداد دانشگاه های آن منطقه از ۳ واحد به ۲۹ واحد دولتی و خصوصی در سال ۲۰۱۵ افزایش یافته است (۱۴ دانشگاه دولتی با ۳۵ دانشکده و ۱۵ واحد دانشگاه خصوصی و آزاد)

از دیگر نشانه های جدی ظهور توسعه سیاسی در این اقلیم به رسمیت شناختن حقوق زنان است. ماده ۲۱ پیش نویس قانون اساسی اقلیم کردستان تصریح می نماید که زن از حقوق مساوی نسبت به مرد برخوردار بوده و تبعیض قائل شدن علیه او ممنوع است. و حکومت اقلیم

کردستان وظیفه بهره مندی زنان از همه حقوق مدنی و سیاسی معین شده در این قانون و در پیمان ها و کنوانسیون های بین المللی مصداق آن و همچنین از بین بردن آنچه که پیشرفت بدون برابری در زندگی اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی است بر عهده دارد. همچنین ماده ۲۳ درباره سهم زنان در نهادهای قانونگذاری صریحاً الزام خویش را اعلام می دارد که این تضمین وجود دارد که نسبت ۳۰ درصدی از کرسی های پارلمان کردستان سهم زنان می باشد. در سال ۲۰۰۹ در کابینه پنجم حکومت اقلیم در راستای افزایش حقوق زنان، طرح «قانون ناموس» ارائه و مورد موافقت قرار گرفت که شدیدترین مجازات بر علیه کسانی که جرم یا قتل ناموسی انجام دهند متوجه می گردید.

تا سال ۲۰۱۰ به جز شاخه زنان اختصاصی هر حزب که **مسئول** امور زنان و حق و حقوق آنان بوده است؛ حدود ۵۰ تشکل فعال در زمینه حقوق زنان در اقلیم کردستان فعال است که برای خود دارای نشریه و ارگان رسمی و مواضع خویش را اعلام می دارند (چنارسعد عبدالله، ۱۳۹۰: ۱۷۰-۱۶۸) در سال ۲۰۲۰ از میان ۴۵۴ قاضی و دادستان در اقلیم کردستان ۸۶ نفر از آنان را زنان تشکیل می دهند. به عبارتی ۱۹ درصد و این رقم در طول سه دهه گذشته هر ساله روبه افزایش بوده است. زنان در دادگاه های تجدید نظر و دادگاه های عالی عضویت داشته و هم اکنون پست معاونت دادستان کل اقلیم کردستان در اختیار یک زن می باشد. نکته مهم در این راستا اینست که هیچگونه منع قانونی در این اقلیم برای زنان در رسیدن به مناصب عالی قضایی وجود ندارد(گزارش موسسات بین المللی VEO و IOL اکتبر ۲۰۲۰). همچنین در پنج دور از پارلمان کردستان سهم زنان از کرسی های پارلمان چنین بوده است:

دور اول پارلمان ۱۹۹۲ از ۱۰۵ کرسی ۸ کرسی، دور دوم ۲۰۰۵ از ۱۱۱ کرسی ۲۴ کرسی، دور سوم ۲۰۰۹ از ۱۱۱ کرسی ۳۶ کرسی، دور چهارم ۲۰۱۳ از ۱۱۱ کرسی ۳۶ کرسی و دور پنجم ۲۰۱۸ از ۱۱۱ کرسی ۳۶ کرسی. هم اکنون در این دور از پارلمان کردستان ابتدا خانم «والا فرید» بعنوان رئیس موقت پارلمان و سپس خانم «ریواز فایق» بعنوان رئیس دائمی انتخاب گردیده است و همچنین خانم «مونا قهوه چی» از اقلیت ترکمن پست معاونت دوم پارلمان اقلیم کردستان را در اختیار دارد.

از دیگر نشانه های امید بخش برای گسترش روند توسعه سیاسی در این اقلیم به رسمیت شناختن حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقلیت های قومی، دینی و مذهبی ساکن در این اقلیم می باشد. به جرأت می توان گفت که اقلیم کردستان تنها منطقه عراقست که سکولاریسم

در آن غالب و همه ادیان، مذاهب، فرهنگ‌ها، اقوام به طور آزادانه زندگی کرده و با همدیگر آزادانه تعامل دارند. مردم منطقه کردستان به این درک و واقعیت رسیده‌اند که تا هنگامی که زندگی آن‌ها بر اساس موازین انسانی، احترام به حقوق همدیگر و درک متقابل می‌باشد زندگی آرام، مرفه و پربراری خواهند داشت. در پارلمان، حکومت، نهادهای قضایی، احزاب سیاسی و... اقلیم کردستان نمایندگان و مقامات بالای سیاسی از نیروهای سیاسی ترکمن، مسیحی، آشوری، ایزدی و... همواره وجود داشته و این اقلیت‌ها دارای ده‌ها سازمان و نهاد، شبکه ماهواره‌ای، روزنامه و مجلات و... فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، ویژه خویش بوده و فرزندان‌شان در مدارس اقلیم کردستان با زبان مادری خویش به تحصیل اشتغال دارند. و این رشد و گسترش همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان و اقوام در این اقلیم از نشانه‌های جدی تثبیت توسعه سیاسی است.

از منظر قانونی، قانون اقلیت‌ها در اقلیم وجود دارد که در دور چهارم پارلمان کردستان تصویب شده و ۱۱ کرسی پارلمانی به این اقلیت‌ها اختصاص یافته و سعی شده است در پیش نویس قانون اساسی اقلیم کردستان حقوق آنان به شکلی مناسب و شایسته تثبیت شود. بدون شک قدرت در اقلیم کردستان در زمینه پاسداری و تثبیت حقوق قانونی، سیاسی، فرهنگی و... اقلیت‌های ملی و دینی بسیار موفق و دموکراتیک عمل نموده و گامی بلند در جهت توسعه سیاسی برداشته است.

۲-۲-۴. انتخابات آزاد و مشارکت سیاسی حداکثری در اقلیم کردستان

دو حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی منابع ساختاری و نیز کارکردی توسعه سیاسی را دارا هستند. توسعه سیاسی نیازمند جامعه باسواد، مشارکت خواهی، نظام انتخابات، نخبگان دموکرات، مجامع دموکراتیک، رسانه مستقل و فرهنگ دموکراتیک است که همه آن‌ها در بین دو حزب مذکور به‌وفور یافت می‌شود (ق. نصری، مصاحبه شخصی: مردادماه ۱۳۹۹). اگر توسعه سیاسی را نتیجه چهار مؤلفه زیر تعریف کنیم: ۱. گردش مسالمت‌آمیز قدرت بین نخبگان سیاسی؛ ۲. وجود جامعه مدنی قوی در حدفاصل توده- حکام؛ ۳. پاسخگویی و پاسخ‌دهی صاحبان قدرت؛ ۴. مشارکت سیاسی مردم و رقابت سیاسی نخبگان؛ آنگاه می‌توان گفت که اقلیم کردستان از جهات عدیده‌ای به سمت توسعه سیاسی حرکت نموده است. هرچند که بداقبال یا حصر جغرافیایی به اضافه کیش شخصیت به ملاحظه‌پذیری سیاسی و رسوب ساختار و کارکردهای قبیله‌ای و خاندانی هنوز سد راه دموکراتیزاسیون هستند؛ اما روند کلی به سوی توسعه سیاسی است. اقلیم کردستان، ناگزیر است جامعه را به مشارکت بطلبد. در حال

حاضر وجود سواد سیاسی بالا، مشارکت سیاسی فعال، رقابت سرزنده بین نخبگان و روند دموکراتیزاسیون جهانی همه ضامن قابل توجه دموکراسی در این اقلیم هستند (ق. نصری، مصاحبه شخصی: مردادماه ۱۳۹۹). در اقلیم کردستان پس از سال ۱۹۹۲ تاکنون ۵ دوره انتخابات پارلمانی کردستان، ۵ دوره انتخابات پارلمان عراق، ۴ دوره انتخابات مجلس شورای شهر و ۲ دوره انتخابات برای تعیین رهبر اقلیم کردستان برگزار شده است. علاوه بر این در این اقلیم سندیکاها و انجمن های دانشجویی، روزنامه نگاران، معلمان، پزشکان و... به صورت مرتب و مستمر هر ۴ سال در میان خودشان انتخاباتی آزاد و دموکراتیک برگزار نموده و منتخبینی پر قدرت برای دفاع از مطالبات صنفی شان برمی گزینند و این سندیکاه ها از بازوان قدرتمند جامعه مدنی این اقلیم در برابر حکومت می باشند. حکومت اقلیم کردستان آشکارا یک دموکراسی انتخابی، با زمان برگزاری منظم انتخابات، رقابتی و انتخابات نسبتاً آزاد است. انتخابات برای ورود یک صد و یازده نماینده به مجلس ملی کردستان در سال های ۲۰۰۵-۲۰۰۹ و ۲۰۱۳ عمدتاً عادلانه قلمداد شده است (رومانو و گورسس، ۱۳۹۸: ۲۷۲). این پروسه انتخابات نسبتاً آزاد و شفاف در ادوار بعدی نیز تکرار و تأیید ناظران بین المللی را به همراه داشته است. سطح بالای مشارکت شهروندان در هر انتخابات نشانه درجه اعلاء از مشارکت سیاسی شهروندان و تثبیت توسعه سیاسی است. در اقلیم کردستان مشارکت شهروندان هیچ گاه از رقم ۷۵ درصد کمتر نبوده و این میزان، بیانگر وجود سیستم چند حزبی و فضای رقابتی سالم در بین احزاب است. در میان احزاب طیفی از ایستارهای سیاسی از جمله احزاب کمونیست، اسلام گرا و نمایندگان متنوعی از پلاتفرم های اجتماعی- اقتصادی مشاهده می شوند آزادی های سیاسی و حقوق مدنی (برای نمونه آزادی های مذهبی) در مقایسه با بقیه نقاط عراق به شیوه قابل توجهی بیشتر بوده است (همان: ۲۷۲ - ۲۷۳). نظارت بر انتخابات منطقه کردستان همواره از سوی نهادهای بین المللی صورت پذیرفته است. اتحادیه اروپا در پاسخ به درخواست کمیسیون اعلامی انتخابات عراق و کمیسیون انتخابات کردستان دو هیأت تخصصی را جهت نظارت بر فرایند رأی گیری، شمارش و مرحله بعد از شمارش آرا به منطقه کردستان اعزام می دارد. هزینه اعزام این هیأت ها را کمیسیون اروپا در قالب، برنامه کمک اتحادیه اروپا به توسعه دموکراسی و حقوق بشر، به عهده می گیرد (آقاپوری، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

۳-۲-۴. نقش مستقیم احزاب در پیشبرد توسعه سیاسی اقلیم کردستان

در ارتباط با نقش دو حزب دموکرات و اتحادیه میهنی در پروسه توسعه سیاسی ذکر چند نکته ضروری است: نخست اینکه این دو حزب تاریخچه‌ای طولانی و خون‌بار از رهبری مبارزات مردم کرد علیه رژیم‌های مستقر در بغداد را داشته و دارای بیشترین قربانی، شهید و جانفدا بوده‌اند. نکته دیگر اینکه سیستم کنونی اقلیم کردستان نتیجه توافق و مشارکت این دو حزب در سال ۱۹۹۲ است- هرچند از این مقطع تا به حال چندین بار با یکدیگر جنگ و درگیری و کشمکش داشته‌اند- ولی نهایتاً و همیشه بر این باور بوده‌اند که برقراری یک سیستم سیاسی مشترک به نفع دو طرف و برای این اقلیم سودمندتر است. به همین دلیل این دو حزب از برخی خواسته‌ها، مطالبات و منافعشان به نفع طرف مقابل در راستای تثبیت توسعه در اقلیم کردستان صرف‌نظر نموده‌اند. همچنین بخش اعظم اقتصاد این اقلیم نتیجه توافق و تقسیم درآمدها مابین این دو حزب است. این نوع توافقات خود مقوم توسعه سیاسی و اقتصادی اقلیم کردستان است (س. موسی شریف، مصاحبه شخصی، شهریور ۱۳۹۹). نهایتاً و به صورت موردی در مورد نقش دو حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی در روند توسعه سیاسی این اقلیم می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. بدون وجود این احزاب عملاً از سال ۱۹۹۲ هیچ انتخابات و پارلمان و حکومتی در اقلیم کردستان شکل نمی‌گرفت.
۲. وجود این دو حزب باعث گردیده که سیستم سیاسی اقلیم به صورت تک‌حزبی نبوده و آزادی احزاب در اقلیم کردستان تحقق یابد.
۳. حضور فعال زنان در این دو حزب باعث گردیده که نقش زنان در فرایند سیاسی اقلیم نقشی پویا و فعال باشد.
۴. تغییر و تحولات اجتماعی زیادی را در ساختار اجتماعی اقلیم کردستان به وجود آوردند، اقلیم را از یک جامعه بسته سنتی به یک جامعه باز مدرن تحول بخشیدند.
۵. تأثیر زیادی را بر میزان مشارکت سیاسی بیشتر مردم در سطح حکومت فدرال و داخل اقلیم کردستان داشتند.
۶. با تلاش‌های این دو حزب، ممانعت از تشکیل حکومتی دیکتاتوری در عراق پس از فروپاشی سیستم سیاسی بعث.
۷. رسانه‌های این دو حزب تأثیر مثبتی بر افزایش هوشیاری سیاسی مردم این اقلیم دارند.

۸. نقش فعالی را در ایجاد سیستم فدرالی در کل عراق داشتند، بدون تلاش این احزاب، در قانون اساسی عراق حق حکومت محلی بعد از سرنگونی رژیم بعث به کردها داده نمی‌شد.
۹. برقراری امنیت و ثبات در اقلیم کردستان بخش زیادی از آن به مدیریت و تلاش این دو حزب برمی‌گردد.

۱۰. بسیج مردم برای دفاع از اقلیم کردستان در برابر نیروهای تروریستی داعش؛ اگر پیشمرگ‌های این دو حزب نبود اقلیم مانند سایر استان‌های سنی نشین عراق به دست نیروهای تروریستی داعش می‌افتاد (س. ملا عمر عیسی، مصاحبه شخصی، شهریور ۱۳۹۹).

۴-۲-۴. موانع ساختاری و کارکردی احزاب در روند توسعه سیاسی اقلیم کردستان

آشکار است که وضعیت کنونی اقلیم در جوانب مثبت و منفی آن نتیجه سی سال حکمرانی احزاب و به‌ویژه دو حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی است. به باور بسیاری از تحلیلگران این مدل از تحزب پدیده‌ای مدرن نبوده، بلکه بازتولید مجدد سیستم عشیره‌گری است که نوعی عشیره‌گرایی مدرن نام دارد. برای بررسی عملکرد احزاب و حکومت اقلیم کردستان در خصوص شکل‌گیری توسعه سیاسی در این جامعه باید اقداماتی را که در این زمینه انجام گرفته مورد بررسی قرار داد. آیا اصولاً حکومت اقلیم که احزاب آن را مدیریت، کنترل و هدایت می‌نمایند، برنامه خاصی در راستای توسعه سیاسی و دموکراسی داشته است؟ این موضوع را می‌توان هم از منظر اقدامات و هم از منظر اهداف و برنامه‌ها مورد بررسی قرار داد تا معلوم شود تا چه اندازه توسعه سیاسی به عنوان هدف مهم در این اقلیم مطرح بوده است.

الف) ساخت الیگارشسی قدرت سیاسی در اقلیم کردستان: نباید این مفروض انگاشته شود که هر بزنگاه تاریخی منجر به انقلاب سیاسی موفق یا تغییر در راستای بهبود خواهد شد. تاریخ آکنده از مواردیست که انقلاب‌ها و جنبش‌های رادیکال در چارچوب قانون آهنین الیگارشسی که «رابرت میخلز» جامعه‌شناس آلمانی واضح آن است، حکومت مطلقه‌ای را جایگزین حکومت مطلقه دیگری کرده‌اند. شکل هولناکی از چرخه خبیث. در بیشتر موارد در جنوب صحرای آفریقا و بیشتر در آسیا، دولت‌های پس از انقلاب همان‌سان که میخلز می‌گوید: صرفاً پا جای رهبران پیشین گذاشتند، سوءاستفاده‌های اسلاف خود را تکرار و تشدید کردند. اغلب توزیع قدرت سیاسی را به شدت محدود ساختند (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۵: ۱۴۸). در این راستا نیز جوهر تاریخ سیاسی معاصر اقلیم کردستان کوشش برای ایجاد ساخت احزاب مطلقه در

درون جامعه مدنی ضعیفی بوده است. می‌توان استدلال کرد که انقلاب مردم کردستان علیه بعث و شکل‌گیری حکومت دوفاکتو در کردستان از سال ۱۹۹۱ به بعد نیز نهایتاً مانند بسیاری از انقلاب‌ها و جابه‌جایی حکومت‌ها در واقع ساخت قدرت حزبی (حکومتی) نیرومندی را جانشین ساخت قدرت حکومت‌های بغداد به‌ویژه بعث کرد. در این اقلیم در ساخت قدرت جدید و پیدایش حزب مطلقه، دو ابزار، نیروی نظامی و بوروکراسی گسترده بیش از همه به تثبیت این روند کمک رسانده‌اند. در این اقلیم تمرکز منابع خشونت‌آمیز (نیروی پیشمرگه) و اقتصاد رانتهی «حزب نفت پایه» بوده است. با توجه به اینکه اساس قدرت در این اقلیم همبستگی عشیره‌ای و حزبی بود، پیدایش قدرت مرکزی اغلب به معنی تسلط یافتن یک ایل و عشیره بود و از این رو اساساً تکثر و پراکندگی قدرت ادامه می‌یافت. در این نظام قدرت شدیداً جنبه خانوادگی یا پاتریمونیالیستی دارد و از همین رو رهبران حزبی اغلب مسئولین حزبی، کارگزاران و صاحب‌منصبان مهم را از بین نزدیکان و اعضای خاندان خود برمی‌گمارند. به‌طور کلی در پاتریمونیالیسم اصل وابستگی به خاندان حاکم برای احراز مناصب دیوانی مهم مسلم فرض می‌شد (بشیریه، ۱۳۹۵: ۴۷).

ب) حزب، سلطه، فساد و تقدمش بردولت واحد در اقلیم کردستان: انفکاک ساختاری و نهادی و عدم امتزاج نهادهای مختلف یک جامعه در همدیگر از بُعد نهادی، شاخص مهمی را برای ارزیابی توسعه سیاسی است (حجاریان، ۱۳۸۰: ۱۷۰). حاکمیت ساختار سیاسی دولت در این اقلیم از مشکلاتی رنج می‌برد که عمده‌ترین آن‌ها تفوق حزب بر همه ارکان زندگی مردم این اقلیم است. بشیریه در کتاب موانع توسعه سیاسی در ایران می‌نویسد: اگر تعریف ماکس وبر از دولت به عنوان «انحصار کاربرد مشروع قدرت فیزیکی در درون سرزمینی خاص» را بپذیریم، در آن صورت باید گفت که ایران در قرن نوزدهم دارای دولت نبود (بشیریه، ۱۳۹۵: ۴۵). این تحلیل درباره اقلیم کردستان نیز صدق می‌کند چرا که در این اقلیم نیز حزب به جای دولت همه نوع قدرت و اقتداری را در این اقلیم در اختیار داشته و عملاً دولت‌ابزاری در دست حزب است و حزب کنترل متمرکزی بر منابع اقتصادی، اداری و نظامی این جامعه داشته و کماکان بین دو حزب اصلی این اقلیم بر سر تصاحب و تمرکز بیشتر منابع قدرت نزاع و رقابت وجود دارد. اگر از نقطه‌نظر وبر یعنی از لحاظ سلطه حزب بر منابع سیاسی، اداری و نظامی نگاه کنیم، باید از نظام سیاسی اقلیم به عنوان نظامی پاتریمونیالیستی سخن گفت که در آن وسایل نظامی و اداری عملاً تحت سلطه حاکمیت واحدی قرار نداشته و مابین دو حزب تقسیم شده است. در

اقلیم کردستان برای نمونه هیچ‌کدام از بنیان‌های حاکمیت قانون، تفکیک قوا، سازمان قضایی مستقل، جامعه مدنی واقعی و ... وجود خارجی ندارد و به جای همه این‌ها حزب وجود دارد. البته حزب نه در معنای غربی آن که مجرای است برای مشارکت سیاسی و تسطیح مسیر توسعه سیاسی؛ در اینجا حزب دلیل و عامل اقتصادی انحصاری، پارلمانی منفعل و نهادهای قضایی وابسته و تماماً بر فراز هر نوع قانون و قاعده‌ای است. شبیه‌ترین الگوی سیستم سیاسی برای اقلیم کردستان سلطانیسم است در مفهوم استبداد آسیایی آن؛ که مفهوم شخصی‌سازی قدرت را بیان می‌دارد (خدیو، ۱۳۹۸: ۱۶). از پیامدهای نظام سیاسی مبتنی بر دموکراسی توافقی در اقلیم کردستان، ناکارآمد شدن دولت مرکزی و ایجاد درجه بالایی از فساد اداری، سیاسی و اقتصادی به دلیل وجود رقابت‌های قدرت‌طلبانه احزاب است. دو قدرت سبز (اتحادیه) و زرد (دموکرات) در اقلیم کردستان دو حاکمیت جداگانه خلق نموده‌اند. نیروی واحد پیشمرگه وجود ندارد. این‌ها و دیگر مسائلی در این باره از موانع جدی توسعه این اقلیم و از دلایل اصلی ضعف جایگاهش از نظر موقعیت درونی و بیرونی است. از جمله وقایع متأثر از این کشمکش‌ها که منافع کردها از آن متضرر گردیده، تحویل کرکوک و دیگر مناطق کردستانی به حاکمیت بغداد بوده است. فساد، دو اداره ای و دو واحد پیشمرگه که از نتایج کشمکش‌های این دو حزب‌اند خود از موانع جدی در گذار اقلیم به دموکراسی هستند (ن. عبدالله، مصاحبه شخصی، شهریور ۱۳۹۹).

به طور کلی در روند ناموفق تجربه توسعه سیاسی در اقلیم کردستان چهار عامل اصلی نقش داشتند: ۱. حزب؛ ۲. نیروهای مسلح؛ ۳. نفت؛ ۴. بوروکراسی. روابط شخصی در چنین نظامی به منزله مجرای دسترسی به قدرت سیاسی بود. به طور خلاصه انباشت قدرت سیاسی و تمرکز منابع اجبار در دست این دو حزب و نبود یک دولت مقتدر مرکزی در اربیل، زمینه مناسبی برای اعاده سیاست غیررسمی مبتنی بر حلقه خانوادگی قدرت گروه‌های پنهان و نیمه پنهان به وجود آورد. در نتیجه وقتی هویت حزبی و فرهنگ ناحیه‌ای و عشیره‌ای بر هویت ملی ارجحیت داشته باشد پروسه توسعه سیاسی دوچندان به تأخیر می‌افتد. به طور کلی می‌توان یادآور شد که دو حزب قدرتمند این اقلیم با تضعیف جایگاه و موقعیت دولت مرکزی و انباشت قدرت حزبی و تولید فساد اقتصادی و سیاسی در روند توسعه سیاسی اقلیم کردستان موانع زیر را پدید آوردند:

۱. سیستم دموکراسی توافقی را در اقلیم کردستان پدید آوردند؛

۲. ممانعت از تشکیل یک نیروی نظامی و امنیتی واحد (ارتش ملی) برای اقلیم کردستان؛
۳. مرزبندی و تقسیم قدرت در اقلیم کردستان بین دو قلمرو تحت نفوذ خویش؛
۴. تسلط بر نهادها و مؤسسات حکومت اقلیم، در راستای منافع حزبی خویش؛
۵. استخدام و به‌کارگیری حداکثری اعضا، حامیان و هواداران حزبی خویش در نهادهای حکومت اقلیم کردستان.

نتیجه‌گیری

دموکراسی و توسعه سیاسی حداقلی در کردستان عراق محصول مبارزات ملی‌گرایانه احزاب بوده است. اما مسأله بنیادی که در این میان وجود دارد این است که فساد سیاسی و اقتصادی هم محصول این احزاب بوده است. در واقع مسأله این است که دو حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی تا زمانی که دارای قدرت سیاسی نبوده‌اند، انگاره‌های دموکراسی و توسعه سیاسی درون‌حزبی را در خود پرورش داده‌اند، اما پس از کسب قدرت سیاسی یا تلاش برای کسب آن در اقلیم کردستان عراق، دچار فساد سیاسی شده و به هر طریقی به دنبال مشروعیت بخشی سیاسی به خودشان بوده‌اند. فراتر از موانعی که احزاب این اقلیم در مسیر توسعه سیاسی ایجاد کرده‌اند، منابعی را هم برای توسعه سیاسی در اختیار دارند. مشروعیت نسبی این احزاب در میان طرفداران خودشان سبب شده است که در صورت نیاز به راحتی بتوانند انگاره‌های دموکراسی و توسعه را در جامعه کردستان که فرهنگ سیاسی آن توسعه‌خواه است، اجرایی کنند. منابع سیاسی این احزاب به حدی است که می‌توانند موانع موجود را بردارند. تجربه فعالیت سیاسی و حزبی این توانایی را به آن‌ها داده است که به راحتی بتوانند مذاکره کنند. مشروعیت این احزاب در میان دولت‌های خارجی هم به آن‌ها توانایی مذاکره سیاسی و توسعه سیاسی را داده است. در واقع، منابع سیاسی این احزاب به حدی قوی است که در صورتی که اراده کنند می‌توانند توسعه سیاسی و دموکراسی را در کردستان عراق توسعه ببخشند، اما منابع اقتصادی و به‌ویژه نفت از یک طرف و تلاش برای اقتدارگرایی سیاسی هر کدام از احزاب و مشروعیت دادن به خودشان به عنوان مهم‌ترین حزب کردستان عراق و کسب قدرت بلامنازع سیاسی سبب شده است که فعلاً چنین اراده‌ای نداشته باشند. در این راستا و با همین معادلات کنونی آینده توسعه سیاسی در این اقلیم پر ابهام و دارای پیچیدگی فراوانی است. اگرچه برخی از جلوه‌های این گذار در این اقلیم به صورتی گنگ، هویداست؛ اما حداقل تا

منابع و موانع احزاب در روند توسعه سیاسی؛ مطالعه موردی ...

چند دهه بعد نمی‌توان آینده دموکراتیکی آن‌گونه که مورد انتظار و مطالبه شخصیت‌ها و نهادهای دموکراسی خواهی است، برای این اقلیم متصور بود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۴)، **مبانی سیاست**، چاپ چهارم، تهران: نشر توس.
- بارزانی، حسن (۱۳۹۶)، «نقش احزاب در توسعه سیاسی (مطالعه موردی: اقلیم کردستان عراق)»، **پایان نامه مقطع دکتری**، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۵)، **موانع توسعه سیاسی در ایران**، چاپ دهم، تهران: نشر گام نو.
- حافظ نیا، محمدرضا و قربانی نژاد، ریاز (۱۳۸۹)، **تحلیل تطبیقی الگوی خودمختاری کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم**، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی.
- حجاریان، سعید (۱۳۸۰)، «عرفی شدن دین در سپهر سیاست»، **مجله بازتاب اندیشه**، شماره ۱۹، صص ۲۶-۳۴.
- خدیو، صلاح‌الدین (۱۳۹۶)، **جامعه‌شناسی سیاسی احزاب در اقلیم کردستان عراق**، کانال الکترونیکی شارنامه.
- خدیو، صلاح‌الدین (۱۳۹۸)، **شاهزادگان حزبی، برندگان اصلی کنگره اتحادیه میهنی**، کانال الکترونیکی شارنامه.
- رمانو، دیوید و گورسس، محمد (۱۳۹۸)، **منازعه، دموکراتیزاسیون و کردها**، ترجمه آزاد حاجی آقایی، چاپ اول، سنندج: نشر مادیار.
- سردار، موسی شریف (۱۳۹۹)، **مصاحبه، اقلیم کردستان، دانشگاه دهوک**.
- سی. مولر، ولفگانگ و نارود، هانه مارسه (۱۳۹۷)، **حکمرانی حزبی و دموکراسی حزبی**، ترجمه علی باقری دولت‌آبادی، چاپ اول، تهران: نشر تیسرا.
- شادلو، عباس (۱۳۹۶)، **مبانی نظری احزاب سیاسی**، چاپ اول، تهران: نشر وزراء.
- شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۲)، **کردها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای**، چاپ اول، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۳)، **بنیادهای علم سیاست**، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- عبدالخالق، مسعود (۲۰۱۴)، **ناسنامه حزبه کوردستانیه کان**، اربیل: نشر حاجی قادر کویی.
- عبدالله، نوزاد (۱۳۹۹)، **مصاحبه، اربیل، اقلیم کردستان، دانشگاه صلاح‌الدین**.

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال چهاردهم، شماره ۵۴، زمستان ۱۴۰۰

- عجم اوغلو، دارون و رایینسون، جیمز.ای (۱۳۹۵)، چرا کشورها شکست می‌خورند؟، ترجمه پویا جبل عاملی و محمدرضا فرهادی پور، چاپ اول، تهران: نشر دنیای اقتصاد.
- غفوری، محمد (۱۳۷۸)، «نظام‌های حزبی و نظام‌های انتخاباتی، تحزب و توسعه سیاسی»، مجموعه مقالات، تهران: انتشارات همشهری.
- محمدی، احد (۱۳۹۴)، تنگناها و پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی استقلال سیاسی کردستان عراق، سنندج: نشرکانی کتیب.
- مک داول، دیوید (۱۳۸۶)، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، چاپ اول، تهران: نشر نگاه.
- ملاختیار (۱۳۸۶). «مصاحبه»، فصلنامه روزه ف، شماره ۷۰۶، صص ۲۱۸-۲۱۲.
- ملا عمر عیسی، صالح (۱۳۹۹)، مصاحبه، اربیل: اقلیم کردستان، دانشگاه صلاح‌الدین.
- میخلز، روبرت (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی احزاب سیاسی، ترجمه احمد نقیب زاده، چاپ دوم، تهران: نشر قومس.
- نصری، قدیر (۱۳۹۹)، مصاحبه، تهران: دانشگاه خوارزمی.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۹۳)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ پنجم، تهران: نشر سمت.
- هان‌تینگتون، ساموئل (۱۳۹۶)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ ششم، تهران: نشر علم.

ب) منابع انگلیسی

- Stansfield, G. R. (2003), **Iraqi Kurdistan: Political Development and Emergent Democracy**, Routledge.
- Wanche, S. I. (2002), **Identity, Nationalism and the State System: The Case of Iraqi Kurdistan**, Doctoral Dissertation, Durham University.